



Applying the principles of asymmetric warfare in the 33-day battle of Hezbollah in Lebanon against the Zionist regime

Baratian. Mahmoud¹ | Haji ali akbari. Mohammad²

1. Corresponding Author, I.R.I Army Command and Staff University, Tehran, Iran. E-mail: M.baratian@casu.ac.ir

2. I.R.I Army Command and Staff University, Tehran, Iran. E-mail: M.hajaliakbari@casu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received in

24 October 2020

revised form

09 November 2023

Accepted

01 february 2024

Published online

21 january 2024

Keywords:

War, Hezbollah, Israel, Principle of war, asymmetric warfare

ABSTRACT

Objective: After the "Summer Rains" operation of the Zionist regime in the Gaza Strip and then the kidnapping of two soldiers of the Zionist regime by Hezbollah, the Zionist regime began its all-out attacks on southern Lebanon, and for the first time both sides were out of control and outside their borders in They faced a heavy battle. Therefore, the main goal of this research is to investigate the 33-day battle with an emphasis on the principles of unequal warfare, and the researcher is looking for an answer to the question, "Which principles of unequal warfare were used in the 33-day battle between Lebanon's Hezbollah and the Zionist regime?"

Methodology: According to the nature of the subject, this research is of an applied type, which was carried out with a descriptive method. The data collection of this research is by field and library methods by studying documents and interviews and by qualitative analysis.

Findings: The four principles of unequal battles, which are "intelligence, surprise, unrepeatability and relying on native equipment" in the intelligence component, three indicators of intelligence in tactics, intelligence in the use of weapons and intelligence in controlling the battle scene have been counted and the element of surprise also has three indicators. "Surprise in time, surprise in place, and surprise in tactics" are statistics, as well as unrepeatability and relying on indigenous equipment were also among the dimensions that were investigated alone.

Conclusion: The data analysis indicates that the indicators calculated from the four principles of unequal battles were used during the 33-day war between the Lebanese Hezbollah and the Zionist regime.

Cite this article: Baratian. Mahmoud |Haji ali akbari. Mohammad, (2024). Applying the principles of asymmetric warfare in the 33-day battle of Hezbollah in Lebanon against the Zionist regime. *Journal Title*, 5 (18), 59-84. DOI: <http://doi.org/10.22034/qjws.2024.138625.1006>



© The Author(s)

Publisher: I.R.I Army Command and Staff University

DOI: <http://doi.org/10.22034/qjws.2024.138625.1006>



کاربرد اصول جنگ‌های ناهمتر از در نبرد ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با

رژیم صهیونیستی

براتیان، محمود^۱ | حاجی‌علی‌اکبری، محمد^۲

۱. (نویسنده مسئول) استاد و عضو هیئت علمی دافوس آجا، ایران، تهران، ایران، رایانامه: M.baratian@casu.ac.ir

۲. استاد و عضو هیئت علمی دافوس آجا، ایران، تهران، ایران، رایانامه: M.hajialiakbari@casu.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:	هدف: پس از عملیات «باران‌های تابستانی» رژیم صهیونیستی در نوار غزه و سپس ربودن دو سرباز رژیم صهیونیستی توسط حزب‌الله، رژیم صهیونیستی حملات همه‌جانبه خود را به جنوب لبنان آغاز کرد و برای اولین بار دو طرف از کنترل خارج شده و خارج از مرزهای خود در یک نبردی سنگین با یکدیگر روبرو شدند. از این رو هدف اصلی این پژوهش بررسی نبرد ۳۳ روزه با تأکید بر اصول جنگ‌های ناهمتر از بوده و محقق به دنبال پاسخ به این سؤال است که «در نبرد ۳۳ روزه حزب الله لبنان با رژیم صهیونیستی از کدام اصول جنگ‌های ناهمتر از استفاده شده است؟»
مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت:	۱۳۹۹/۰۳/۰۳
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۲/۰۱/۱۸
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۲/۰۱/۱۲
تاریخ انتشار:	۱۴۰۲/۰۱/۰۱
کلیدواژه‌ها:	روشناسی: با توجه به ماهیت موضوع این تحقیق از نوع کاربردی بوده که با روش توصیفی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای با مطالعه اسناد و مدارک و مصاحبه و با تحلیل کیفی است.
جنگ، حزب‌الله لبنان، رژیم صهیونیستی، اصول جنگ، نبرد ناهمتر از	یافته‌ها: اصول چهارگانه نبردهای ناهمتر از که عبارتند از "هوشمندی، غافلگیری، تکرارناپذیری و تکیه بر تجهیزات بومی" در مؤلفه هوشمندی سه شاخص هوشمندی در تاکتیک، هوشمندی در استفاده از سلاح‌ها و هوشمندی در کنترل صحنه نبرد احصاء شده‌اند و مؤلفه غافلگیری نیز دارای سه شاخص "غافلگیری در زمان، غافلگیری در مکان و غافلگیری در تاکتیک" احصاء است همچنین تکرارناپذیری و تکیه بر تجهیزات بومی نیز از جمله ابعادی بودند که به تنهایی مورد بررسی قرار گرفتند.
	نتایج: تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی است که شاخص‌های احصاء شده از اصول چهارگانه نبردهای ناهمتر از در طول جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار گرفته است.

استناد: براتیان، محمود؛ حاجی‌علی‌اکبری، محمد؛ (۱۴۰۲). کاربرد اصول جنگ‌های ناهمتر از در نبرد ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات جنگ، ۵ (۱۸)، ۸۴-۵۹. DOI: <http://doi.org/10.22034/qjws.2024.138625.1006>



ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22034/qjws.2024.138625.1006>

مقدمه

امروز برخلاف سی سال پیش، رژیم صهیونیستی دیگر یک هیولای شکست‌ناپذیری نیست؛ برخلاف دو دهه پیش، آمریکا و غرب تصمیم‌گیران بی‌چون‌وچرا در خاورمیانه نیستند؛ برخلاف ده سال پیش فن‌آوری هسته‌ای و دیگر فن‌آوری‌های پیچیده برای ملت‌های مسلمان منطقه، دور از دسترس و افسانه‌گون به شمار نمی‌رود. امروز ملت فلسطین، قهرمان مقاومت است، ملت لبنان به‌تنهایی شکننده هیبت پوشالی رژیم صهیونیستی و فاتح جنگ ۳۳ روزه است و ملت ایران پرچم‌دار و خط‌شکن حرکت به سمت قله‌ها است. (پیام مقام معظم رهبری به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۹/۰۸/۲۴)

از اعلام جعلی استقلال رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۲۷ شمسی (۱۹۴۸ میلادی) این کشور همواره با همسایه‌های خود دچار تنشج بوده که در مواردی این درگیری‌ها به یک جنگ تمام عیار تبدیل شده است. جنگ‌های خارجی رژیم صهیونیستی شامل چهار جنگ رژیم صهیونیستی و اعراب از سال ۱۹۷۸-۱۹۴۳ جنگ فرسایشی مصر با رژیم صهیونیستی ۱۹۶۷-۱۹۷۰ و جنگ اول ۱۹۸۲ و دوم ۲۰۰۶ این کشور با لبنان است. (Varshovsky, 2008: 28)

قریب هفده سال از جنگ ۳۳ روزه بین حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی می‌گذرد، در اوت ۲۰۰۶ رسانه‌های رژیم صهیونیستی به همراه مقامات این رژیم از پایان جنگ طی چند روز آینده سخن می‌گفتند، اما این سخن‌ها و این برنامه‌ها تا آخرین روز جنگ ادامه یافت و اگر نبود قطع‌نامه ۱۷۰۱ که تزیبی لیونی وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی خود آن را طراحی کرده بود، جنگ همچنان ادامه می‌یافت و سرنوشت آن با رسیدن موشک‌های مقاومت به ۳۰ کیلومتری تل‌آویو به نحو دیگری رقم می‌خورد. با برخورد اولین موشک مقاومت به شهر عفو له، تلاش‌ها برای پایان دادن به این جنگ آغاز شد و سیاستمداران رژیم صهیونیستی و آمریکا دست‌به‌کار شده و عملاً قطع‌نامه را پس از ۳۳ روز حمله خونین ماشین جنگی رژیم صهیونیستی به لبنان و ۳۳ روز مقاومت جانانه جوانان لبنانی تصویب کردند تا به‌زعم خود مقاومت را در محاصره قرار دهند و از خسارت بیشتر بر ساختار سیاسی، نظامی و اقتصادی این رژیم بکاهند. مقامات سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی که در این جنگ با هماهنگی کامل واشنگتن و در جنگی نیابتی می‌جنگیدند، از همان ابتدا هم خواستار پایان دادن به جنگ بودند، اما با شرایط خودشان که این شرایط هیچ

نکته‌ای در خود نداشت مگر آزادی دو سرباز اسیر رژیم صهیونیستی و عقب‌نشینی حزب‌الله به شمال رودلی‌تانی که این طرح‌ها به گفته دبیر کل حزب‌الله کارساز نبودند و این دو سرباز اسیر تنها زمانی آزاد می‌شدند که عملیات تبادل اسرا صورت می‌گرفت. (Cordesman, 1388: 13) در طول تاریخ همواره بعد از هر جنگ کارشناسان و خبرگان این حوزه به بررسی ابعاد پیدا و پنهان جنگ می‌پردازند تا به این ترتیب در تقابل‌های احتمالی آتی بتوانند حداکثر استفاده را ببرند. جنگ سی‌وسه روزه حزب‌الله و ارتش رژیم صهیونیستی مانند هر نبرد دیگری ابعاد مختلف و فراوانی دارد که بررسی آن‌ها برابر شیوه‌ها و روش‌های استاندارد و پذیرفته‌شده توسط کارشناسان نظامی می‌تواند کمک قابل‌توجهی در تدوین راهبردها، آینده‌نگاری جنگ‌های آینده و شناخت تاکتیک‌های طرفین باشد.

مهمترین ویژگی این جنگ نابرابری امکانات و تجهیزات طرفین درگیر از نظر عده و عُدّه است و به این ترتیب می‌توان این جنگ را در زمره نبردهای ناهمتر از در نظر گرفت. در این نوع درگیری مجموعه عوامل پیدا و پنهان در نبردهای بین دو طرف غیرهمگن، نبرد ناهمتر از را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر در رویارویی دو قدرت ناهمگن و غیرمتوازن که طرف به اصطلاح ضعیف‌تر ضمن اجتناب از مواجه شدن با نقاط قوت طرف مقابل با تکیه بر عوامل قوت خود و بکارگیری ایده‌های جدید، نقاط ضعف دشمن را هدف حمله قرار می‌دهد. مهم‌ترین نکته در نبرد در محیط ناهمتر از این است که یکی از طرفین درگیری از فناوری برتر و تسلیحات پیشرفته بهره می‌برد و طرف دیگر از آن امکانات برخوردار نیست ولی از یک سری نقاط قوت دیگری برخوردار است که دشمن از آن بی‌اطلاع می‌باشد. همچنین طرف برتر در عین داشتن قدرت دارای نقاط ضعف خاصی هم می‌باشد که شناسایی این نقاط ضعف برای طرف مقابل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، در این نوع نبرد ابهام در تأثیر اجرای آن همیشه وجود داشته که به این حالت مبهم بودن و عدم قطعیت صحنه نبرد می‌گویند.

هدف اصلی این تحقیق بررسی کاربرد اصول حاکم بر جنگ‌های ناهمتر از شامل (هوشمندی، غافلگیری، تکرارناپذیری، تکیه بر تجهیزات بومی) در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله با رژیم صهیونیستی بوده و اهداف فرعی آن تبیین این جنگ بر اساس هر کدام از این اصول است. سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از این‌که: آیا اصول جنگ ناهمتر از در

نبرد ۳۳ روزه حزب‌الله با رژیم صهیونیستی استفاده شده است؟ و سؤالات فرعی آن چگونگی بکارگیری هر کدام از اصول چهارگانه جنگ ناهمتراز (هوشمندی، غافلگیری، تکرارناپذیری، تکیه بر تجهیزات بومی) در این عملیات است. در این تحقیق به دلیل این که محقق به دنبال پاسخگویی به سؤالات و دستیابی به اهداف و دستاوردهای یک واقعه تاریخی است، فرضیه ارائه نشده است.

در باب اهمیت، مطالعه ابعاد مختلف جنگ‌ها از موضوعات مهمی است که در اکثر مراکز علمی- نظامی دنیا مورد توجه بوده و از دروس اصلی است تا به این ترتیب نقاط قوت و ضعف طرفین مشخص و در نبردهای احتمالی آینده در نظر گرفته شود. استفاده از تجربیات گران‌قیمت حاصل از جنگ‌های گذشته می‌تواند درس‌های بزرگی را به فرماندهان سطوح مختلف بیاموزد و موجب شود تا در وضعیت‌های مشابه تصمیم‌های درست و منطقی اتخاذ شده و با تجزیه و تحلیل عملکرد طرفین در صحنه نبرد در ابعاد مختلف، باعث آشکارسازی و شفافیت محیط تصمیم‌گیری شده و در نهایت باعث شود تصمیم‌گیری در محیط مطمئن صورت گیرد. نکته‌ای که در این نبرد حائز اهمیت است مقاومت نیروهای اندک حزب‌الله در برابر ارتش تا بن دندان مسلح رژیم صهیونیستی است که به ارتش شکست‌ناپذیر شهرت یافته است. لذا با مدنظر گرفتن این مقاومت و به‌ویژه تلفات و ضایعات وارده توسط همین گروه اندک به چنین ارتشی که تاکنون همیشه در مقابل کشورهای عربی پیروز صحنه نبرد بوده، باید موضوع را از دیدگاه نظامی با دقت بیشتر مورد بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد تا از این رهگذر بتوان نکات آموزشی و تجربی را آموخت و در شرایط لزوم از آن استفاده نمود. همچنین انجام این تحقیق موجب انباشت ادبیات نظری در افزایش مهارت آموزشی دانشجویان دافوس به‌عنوان فرماندهان آتی میانی ارتش در به‌کارگیری اصول جنگ در نبردهای ناهمتراز آینده شده و امکان نقد و بررسی مسائل تاکتیکی این حوزه را فراهم می‌آورد.

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

مبانی نظری

واژه ناهمتراز در تعریف به اندیشیدن، سازماندهی کردن و انجام عملیات، متفاوت از آنچه که دشمن انجام می‌دهد، به منظور به حداکثر رساندن برتری‌های خودی، با بهره‌برداری

از نقاط ضعف دشمن اطلاق می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۶: ۴۹) خواستگاه اسطوره‌ای ناهمتراز را می‌توان به داستان دوره جوانی حضرت داوود^(ع) در کتاب تورات نسبت داد که در حومه بیت‌المقدس توانست بر جالوت پیروز شود. این چوپان جوان در مقابل یک غول مجهز به سلاح قوی با استفاده از نبوغ و استعداد خود از مبارزه تن به تن اجتناب نمود و با یک قلاب سنگ (فلاخن) ساده، دشمن خود را از ناحیه سر، به شدت مضروب ساخت. رابطه و نسبت این دو نیرو کاملاً نابرابر و نا متوازن بود، اما با این وجود، طرف ضعیف‌تر پیروز میدان بود. از منظر راهبردی، همتراز (تقارن) به مفهوم مبارزه با سلاح‌های برابر تصور شده است و ناهمتراز (غیرمقارن) به معنای تلاش یکی از طرف‌های متخاصم برای دستیابی به برتری کیفی یا کمی در جنگ است. و جنگ ناهمتراز مربوط به عکس این اقدام است، یعنی بهره‌گیری از تمام نقاط ضعف دشمن برای آسیب رساندن بیشتر به آن. برتری نیروها نه فقط مستلزم همترازی در ابزارهای نظامی، بلکه هماهنگی بهتر وسایل ارتباطی جنگی است. بطور کلی، راهبرد در صورتی می‌تواند ناهمتراز باشد که یکی از طرفین متخاصم از مرکز فرماندهی آماده‌تر و نیروهای ورزیده‌تر برخوردار باشد و از ابزارهای برتر استفاده کند. از نظر کارل فون کلاوسویتز نبوغ نظامی جایگاه مهمی در هدایت عملیات‌های نظامی دارد و این موضوع با خود تعریف جنگ همخوانی دارد. (Courmont, 2009: 31)

اصول نبردهای ناهمتراز عبارتند از: هوشمندی، غافلگیری، تکرارناپذیری و تکیه بر تجهیزات و فناوری بومی. در نتیجه، شناسایی نقاط قوت و ضعف دشمن و شناسایی امکانات قابل افزایش جبهه‌ی خودی و تکیه بر آن و همچنین، بهره‌گیری از تکنیک تاکتیک و مسائل مختلف از مهمترین اصول نبرد به شمار می‌آیند. (طحانی، ۱۳۹۲: ۷۶)

این واقعیت که هیچ پدیده‌ای را در عالم خارج نمی‌توان سراغ گرفت که صرفاً «تهدید» یا «فرصت» باشد، ما را به آنجا رهنمون می‌شود تا پدیده‌ها را آمیزه‌ای از فرصت و تهدید بدانیم و این یعنی آن که تمام هنر مدیریت آن است که چگونه بتوانیم اولاً فرصت‌ها را غنیمت شمرده و حداکثری نماییم؛ ثانیاً تهدیدات را درک نموده و حداقلی نماییم. این موضوع در ارتباط با مفهوم نظریه‌ها هم صادق است و بررسی به عمل آمده در ارتباط با مفهوم تهدید ناهمتراز حکایت از آن دارد که بازیگران ضعیف امکان و توان آن را دارند تا در مواجهه با قدرت‌های برتر و مسلط، به تولید چالش پرداخته و حتی شانس پیروزی خود را افزایش دهند. (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۸۱)

الگوی نبرد ناهمتراز به دلیل همین ویژگی برجسته‌اش است که از سوی هر دو گونه از بازیگران (یعنی بازیگران قوی و ضعیف) مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده تا از ظرفیت‌های آن به تناسب شرایط استفاده شود. توضیح آن که، مستند به نظریه‌های واقع‌گرایانه که قوت و ضعف را در برآوردهای راهبردی بازیگران جستجو می‌نماید؛ شاهد تقسیم‌بندی بازیگران در کلاس‌های متفاوتی می‌باشیم که این امر به قدرت‌های قوی امکان و فرصت اعمال نظر بر ضد بازیگران را می‌دهد. «نبرد ناهمتراز» با تأکید بر روی نقاط ضعف و «امکانات ضربه زدن راهبردی» در محیط نبرد ناهمتراز این معادله واقع‌گرای ساده را به چالش کشید و تعریف تازه‌ای از قوت و ضعف ارایه نمود که امروزه نظر بسیاری از تحلیل‌گران را به خود جلب نموده است. از جمله مهمترین این دستاوردها می‌توان به الگوهای پیشرفته نهضت مقاومت اشاره داشت که در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه به‌صورتی دیگر تجلی نمود. این دو رخداد به دلیل عدم توازن و ناهمترازی، بسیار تأمل برانگیز بوده و می‌تولند نکات راهبردی قابل توجهی را از ظرفیت‌های نهان جهان اسلام به جهانیان بیاموزد. (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۸۲)

در نبرد ناهمتراز یک طرف فناوری برتر و تسلیحات پیشرفته دارد و طرف دیگر از آن امکانات برخوردار نیست ولی از یک سری نقاط قوت برخوردار است. طرف برتر در عین داشتن نقاط قوت نقطه‌ضعفی هم دارد و مهمترین اصل در این نبرد ابهام در اجزای آن است که به این حالت مبهم بودن و عدم قطعیت صحنه نبرد می‌گویند. ناهمترازی در موارد و شکل‌های زیر قابل مشاهده است: ۱- تفاوت در سطح فناوری مورد استفاده توسط هریک از طرف‌های درگیر ۲- تعداد و آموزش نیروی انسانی ۳- احساس شکست ناپذیری ۴- سازمان و سازمان‌دهی ۵- روحیه.

به‌همین ترتیب در نبردهای ناهمتراز می‌بایست به دکتترین (رهنامه) راهبردی، ابزار و تجهیزات، فناوری و نیروی انسانی کارآمد نیز توجه داشت. چرا که توجه به این موارد که از مؤلفه‌های نبردهای ناهمتراز می‌باشند در انتخاب تاکتیک‌های نبرد لازم و ضروری است. (طحانی، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۴)

جنگ: درگیری نظامی که در آن ی یا چند کشور با تمام توان نظامی خود از راه زمین، دریا و هوا علیه یک یا چند کشور دیگر وارد نبرد می‌شود. (قنبری، ۱۳۹۵: ۱۴۳۰)

حزب‌الله لبنان: سازمانی سیاسی-نظامی اسلام‌گرای شیعه در لبنان است. گروه حزب‌الله در اوایل سال‌های ۱۹۸۰ و با الهام از ایدئولوژی اسلام سیاسی حضرت امام خمینی در لبنان ظهور کرد. بخش نظامی حزب‌الله خود را شاخه مقاومت اسلامی در لبنان می‌داند. حزب‌الله لبنان پس از سال‌ها جنگ چریکی موفق به آزاد کردن جنوب لبنان از اشغال رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ شد. این گروه پس از آن به فعالیت‌های سیاسی خود تحرک بیشتری داده و به کابینه و مجلس لبنان راه یافت. (حاجی‌علی‌اکبری، ۱۴۰۱: ۱۹)

رژیم صهیونیستی: در سال ۱۸۹۵ م خبرنگاری مجارستانی به نام «تئودور هرتزل» که به گواه تاریخ نه زبان عبری می‌دانست و نه از تاریخ یهود آگاهی داشت، برای اتحاد یهودیان و تشکیل یک موطن یهودی، کتابی با عنوان «دولت یهود» و پس از آن روزنامه «دی‌ولت» را به‌عنوان ارگان رسمی افکار صهیونیستی منتشر کرد. او در سال ۱۸۹۷ م همراه با دیگر رهبران صهیونیست در شهر «بال» سوئیس سازمان صهیونیست جهانی را که بالاترین مرجع آن «کنگره صهیونیسم» بود ایجاد نمود. آنها در این کنفرانس ضمن تأکید بر اشغال سرزمین فلسطین با استفاده از کلیه وسایل و امکانات و تشکیل دولت صهیونیستی، از استعمال لفظ کشور برای جامعه یهود به‌منظور جلوگیری از اعتراض اعراب و مسلمانان پرهیز و آن را «کانون ملی یهودی» خواندند؛ همزمان با برنامه‌ریزی انگلیس در کنترل فلسطین، صهیونیست‌ها نیز در اندیشه تصرف این سرزمین و سلطه بر جهان برآمدند. با آغاز جنگ جهانی اول، دولت انگلیس با فشار وزیران متنفذی چون «لوید جرج» و «لرد بالفور» لایحه «فلسطین- پنج اختیار» مبنی بر یهودی‌سازی فلسطین و تسلط بر آن را تصویب و خواستار مهاجرت یهودیان به این سرزمین و خودمختاری آنان شد که بعدها در جلسه ۳۱ اکتبر ۱۹۱۷ م اعلامیه بالفور نام گرفت. پس از این اقدام اعتراضات و قیام‌های متعددی توسط مسلمانان و مسیحیان رخ داد که دولت انگلستان در سال ۱۹۲۲ م کتاب سفیدی را که تفسیری بر اعلامیه بالفور بود منتشر و اعلام کرد که مفاد این اعلامیه هرگز به معنای تبدیل فلسطین به وطن یهود نیست، بلکه صرفاً بر لزوم تأسیس وطن ملی یهود در فلسطین تأکید شده است. (حاجی‌علی‌اکبری، ۱۴۰۱: ۱۳)

اصول جنگ: قواعد که هدایت نبرد را بعهدده دارند، پایه و شالوده علم و هنر جنگ را که شامل عصاره قوانین و تئوریهای نظامی ارزیابی شده و نتیجه تجربیات و آزمایشات پی در پی صحنه جنگ است و میراث عملیات نظامی قرون گذشته و حال بشمار می‌روند، اصول جنگ نامگذاری نموده‌اند. (معین‌وزیری، ۱۳۹۳: ۱۶)

نبرد ناهمتراز: ناهمترازی یعنی بهره‌بردن از نوعی تفاوت از نظر تجهیزات، نیروی انسانی و سایر مؤلفه‌های نبرد که منجر به غلبه بر دشمن شده و تابع فناوری روز است. (طحانی، ۱۳۹۰: ۶۹) جنگ ناهمتراز عموماً به جنگ بین دشمنانی اطلاق می‌گردد که در آن نیروی کوچک‌تر بلید از آسیب‌پذیری‌های طرف بزرگ‌تر و قوی‌تر از خود جهت نیل به اهداف مربوطه بهره‌برداری نماید. (حیدری، ۱۳۹۲: ۳۰)

رویدادهای جنگ:

آغاز و توسعه درگیری: رژیم صهیونیستی در حالی اقدام به اعمال فشار بر ضد حزب‌الله نمود که سکوت عمومی جامعه جهانی و کشورهای عربی این فرصت را به این رژیم داده بودند تا بتواند نسبت به ریشه‌کن کردن این گروه جهادی امیدوار باشد. اما در عمل آنچه معادله را به نفع حزب‌الله تغییر داد، استفاده از الگوی نبرد ناهمتراز توسط حزب‌الله و اصلاح جریان قدرت بر ضد رژیم صهیونیستی بود. (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

در آوریل سال ۲۰۰۶ و در سالگرد آزادی جنوب لبنان از دست اشغالگران رژیم صهیونیستی، دبیر کل حزب‌الله لبنان در سخنانی اعلام کرد به‌زودی اسرای لبنانی را که در زندان‌های رژیم صهیونیستی هستند آزاد خواهند کرد و در میان آن‌ها سمیر قنطار از اسرای بزرگ لبنانی هم حضور خواهد داشت. سه ماه بعد از این وعده رزمندگان مقاومت با ایجاد کمینی در فلسطین اشغالی دو سرباز رژیم صهیونیستی را به اسارت گرفتند و ۸ تن دیگر را به هلاکت رساندند. حزب‌الله اعلام کرد که تنها راه آزادی سربازان اسیر رژیم صهیونیستی مذاکره است و هیچ راهی غیر از این ندارد، در مقابل ارتش رژیم صهیونیستی هم می‌خواست آن‌ها را از راه نظامی و فشار آزاد کند اما در نهایت تبادل اسرا بر اساس مذاکره غیرمستقیم صورت گرفت و این سرآغاز درگیری رژیم رژیم صهیونیستی با حزب‌الله لبنان بود. (Lambeth, 2010: 21)

ارتش رژیم صهیونیستی با تلاش برای انهدام پایگاه‌های موشک‌های دور و میان‌برد حزب‌الله که در ابتدا بسیار موفق عمل می‌کرد، به این حمله واکنش نشان داد. اما پس از

آن تصمیم گرفت به پیشروی خود ادامه دهد و در ۱۳ ژوئیه، فرودگاه بیروت را بمباران و همه بنادر لبنان را مسدود کرد. رژیم صهیونیستی جنگ را تا حد یک نبرد بزرگ پیش برد و تمام مقرهای حزب الله در بیروت را بمباران کرد. «فؤاد سینیوره» نخست وزیر لبنان، روز بعد درخواست آتش بس کرد، اما حالا شدت جنگ بیشتر شده بود و حزب الله برای نخستین بار در ۱۶ ژوئیه موشک‌های دوربردتری را به سمت اهدافی در نزدیکی حیفا شلیک کرد. حزب الله رزمندگان بیشتری را وارد صحنه کرد. نبردهای زمینی شدیدتر شدند و حزب الله به شلیک موشک به داخل خاک رژیم صهیونیستی ادامه داد. (Lambeth, 2010: 22)

ارتش رژیم صهیونیستی در روز ۲۷ ژوئیه ۳۰ هزار نیروی ذخیره خود را فراخواند و در روز اول ماه اوت حمله زمینی را گسترده‌تر کرد. نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی یک عملیات هلی‌بورن را در عمق ۱۲۵ کیلومتری خاک لبنان برای حمله به محل استقرار رهبران حزب الله در دره بقاع، انجام داد. روز بعد حزب الله بیش از ۲۰۰ موشک به سمت رژیم صهیونیستی شلیک کرد که تا آن زمان شدیدترین آتشباری علیه رژیم صهیونیستی بود. در ۱۱ اوت، رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت تمامی نیروهای فعال و ذخیره خود را برای عبور از منطقه مرزی و تصرف جنوب لبنان تا حد رودخانه لیتانی به کار گیرد. اما این تصمیم زمانی اتخاذ شد که جامعه بین‌المللی برای برقراری آتش بس تلاش می‌کرد، همراه با این تلقی که رژیم صهیونیستی به سبب سوء مدیریت جنگ، موجب کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان در لبنان شده و بی‌آنکه لازم باشد خسارت عمده‌ای به اقتصاد لبنان وارد آورد. بنابراین هفته‌ها تعلل و بلاتکلیفی در مورد چگونگی انجام حمله زمینی به یک تصمیم ناگهانی برای انصراف از حمله انجامید.

در روز ۱۳ اوت درست پس از صدور فرمان آغاز یک حمله زمینی تمام عیار نیروها به خاک لبنان، با آتش بس موافقت کرد. این تصمیم به رغم شلیک ۲۵۰ موشک از سوی حزب الله به قمر رژیم صهیونیستی اتخاذ شد. آتش بس با وساطت سازمان ملل از روز ۱۴ اوت به اجرا گذاشته شد و ارتش لبنان همراه با یک گروه ویژه از نیروهای سازمان ملل در روز ۱۷ اوت در جنوب لبنان مستقر شدند. (Lambeth, 2010: 55)

اگرچه ممکن است در مورد اعداد دقیق حملات هوایی و توپخانه‌ای رژیم صهیونیستی به لبنان در طول جنگ ۳۳ روزه تجدید نظر شود، اما حداقل گزارش‌های رژیم

صهیونیستی حاکی از آن است که یک حمله هوایی که ابتدا برای انهدام نیروی موشکی دوربرد حزب‌الله طراحی شده بود در نهایت منجر به حدود ۱۵۵۰۰ سورتی پرواز نیروی هوایی برای حمله به تقریباً هفت‌هزار هدف شد.

ارتش رژیم صهیونیستی ۱۰۰ هزار گلوله تانک و توپ شلیک کرد و از ۳۰ هزار سرباز خود حداقل ۱۵ هزار نفر سرباز را در حمله به لبنان وارد کارزار کرد. گرچه آمار بالا غیرقطعی‌تر از داده‌های یاد شده هستند، اما در این مدت رژیم صهیونیستی ۳۹۷۰ موشک شلیک شده از سوی حزب‌الله را دریافت کرد. داده‌های تلفات تاحدی نامطمئن هستند، اما رژیم صهیونیستی ۱۱۷ تا ۱۱۹ سرباز و ۳۷ غیر نظامی و حزب‌الله نیز ۲۵۰ تا ۸۰۰ رزمنده را از دست داد. برآوردهای مختلف حاکی از ۹۰۰ تا حدود ۱۲۰۰ غیرنظامی لبنانی کشته شده‌اند. (Lambeth, 2010: 112)

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، آتش بسی که قبلاً در مورد آن توافق شده بود توسط همه طرف‌های درگیری در ۱۴ اوت به اجرا در آمد و شهروندان منطقه شمالی سرزمین‌های اشغالی در صفوف طولانی از پناهگاه‌های خود خارج شدند و از سوی دیگر رفت و آمد خودروها و کامیون‌ها در سراسر لبنان از سر گرفته شد. سیدحسین نصرالله با درک تیزهوشانه‌ی خود از اهمیت بالای جنگ لفظی، هنرمندانه ادعا کرد که "به یک پیروزی تاریخی و راهبردی" دست یافته است. در همین راستا دولت لبنان براساس توافقاتی اعلام شده در آتش بس، نیروهای خود را به مناطق جنوبی لبنان فرستاد، در حالی که بر اساس همان توافق ابتدایی، به حزب‌الله اجازه داده شد بعضی از انبارهای پنهان خود در نزدیک مرز را حفظ نماید. اما در پایان بنا بر مستندات و شواهد موجود، حتی پیش از آنکه دود آتش جنگ فروکش کرده باشد، لیونی وزیر امور خارجه وقت رژیم صهیونیستی، ادعاهای تازه‌ای مبنی بر اینکه ایران و سوریه تأمین تسلیحاتی حزب‌الله را از سر گرفته‌اند را مطرح کرد و این بدان معنا بود که ورود محموله‌ها از سوریه به خاک لبنان مانند قبل ادامه دارد و به این ترتیب دور جدیدی از موج اتهام‌زنی‌های مقامات وقت رژیم صهیونیستی و به دنبال آن مقامات غربی و آمریکایی به جریان مقاومت ادامه یافت. (Lambeth, 2010: 117)

استراتژی طرفین

به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان، از توانایی‌های نظامی و استراتژی متفاوتی برای جنگ بهره می‌گرفتند. به بیان دیگر، استعدادها و توانایی‌های نظامی و جنگی هر یک از طرفین در تعیین استراتژی جنگی آن‌ها بسیار مؤثر بوده است.

استراتژی‌های رژیم صهیونیستی:

استراتژی رژیم صهیونیستی بر «جنگ برق‌آسا» و اصل «غافل‌گیری» استوار است. این رژیم به دلیل ضعف عمق استراتژی، آسیب‌پذیری نسبت به تلفات انسانی و عدم توانایی برای تأمین نیروی نظامی، همواره از درگیر شدن در یک جنگ فرسایشی خودداری می‌کند. لذا طی جنگ‌های گذشته اعراب با رژیم صهیونیستی شاهد هستیم که حملات تهاجمی ارتش، برق‌آسا و بر اساس اصل غافل‌گیری بوده است تا بدین‌وسیله بیش‌ترین تلفات ممکن را برطرف مقابل وارد کرده و آن را به تسلیم وادار و در زمانی که خطر فرسایشی شدن جنگ احساس می‌شد، آنان از طریق آمریکا و مجامع بین‌المللی سعی در توقف جنگ می‌کردند. رژیم صهیونیستی در جنگ با حزب‌الله برخلاف استراتژی پیشین خود، ناگزیر جنگ را به سمت فرسایشی شدن سوق داد. هرچند که برخی احتمال می‌دهند که با فشارهای آمریکا، رژیم صهیونیستی تن به انجام یک ریسک داده است. (Varshovsky, 2008: 32)

رژیم با هدف تهییج افکار عمومی لبنان علیه حزب‌الله، تأسیسات زیربنایی عمده همچون کارخانه‌ها، پل‌ها، راه‌های مواصلاتی، ایستگاه‌های مخابراتی، رادیویی و تلویزیونی و ... را بمباران هوایی کرد تا چنین وانمود کند که لبنان در حال تبدیل شدن به ویرانه است. (موضوعی که برخی رسانه‌های لبنانی مخالف حزب‌الله، همچون المستقبل و ABX در طول جنگ به‌طور مکرر به آن اشاره کردند.) ارتش رژیم صهیونیستی پس از گذشت نزدیک به یک هفته بمباران لبنان از طریق هوا، زمین و دریا، مرحله دوم تاکتیک خود یعنی ورود به عمق خاک لبنان و تصرف جنوب لیتانی را به مرحله اجرا گذاشت و در ابتدا سعی کرد تا از سمت مارون‌الراس وارد لبنان شود که با مقاومت رزمندگان حزب‌الله روبه‌رو شد. استراتژی رژیم صهیونیستی در این مقطع «افزایش بمباران‌های شدید هوایی و ایجاد تاکتیک زمین سوخته به‌عنوان مقدمه‌ای برای پیشروی‌های زمینی» بود. ناکامی‌های بعدی ارتش رژیم صهیونیستی در هفته دوم و سوم در محورهای ناقوره،

عبت‌الشعب، مارون‌الراس، عیترن و بنت جبیل موجب شد تا ضمن فراخوانی نزدیک به ۳۰ هزار نیروی ذخیره، عملیات زمینی بر محور کفرکلا، عدیسه، طیبه، قنطره، غندوریه و علمان برای تصرف جنوب لیتانی متمرکز شود که باز موفق به اجرای کامل آن نشدند. در این میان عملیات ناموفق هلی برن در بعلبک، صور و بقاع نیز نتوانست به تحقق این اهداف کمکی کند. در روزهای پایانی جنگ به‌ویژه روز سی و یکم جنگ، مرحله جدیدی از تهاجمات علیه لبنان و حزب‌الله شروع شد که با الگوبرداری از تاکتیک‌های عملیاتی آمریکا در عراق طراحی شده بود؛ در حالی که ارتش رژیم صهیونیستی تا قبل از این با انجام عملیات مثلی محدود و خیزهای کوتاه سعی می‌کرد به محیط اطراف خود مسلط شود. (Varshovsky, 2008: 32)

اعلام رسمی تأسیس کشور اسرائیل از همان ابتدا فاقد هرگونه مبنای حقوقی، تمدنی و جغرافیایی بود و بر این اساس سران و بانیان آن ادعا داشته‌اند که همواره موجودیت این رژیم از سوی کشورهای عربی و اسلامی هم‌جوار در معرض تهدید است. بنابراین اندیشه‌ورزان صهیونیست با دستاویز قراردادن استراتژی اتحاد پیرامونی و ادعای بقاء و تأمین امنیت یهودیان در فلسطین، هرگونه تجاوزی اعم از دست‌اندازی سیاسی، نظامی و اطلاعاتی با عنوان اقدام بازدارنده ولو در داخل کشورهای پیرامونی فلسطین به بهانه حراست از موجودیت خویش و جلوگیری از وقوع هولوکاستی دیگر را حق مشروع خود دانسته و جامعه جهانی را با خود همراه می‌سازند. (حاجی علی اکبری، ۱۴۰۱: ۷۴)

بر اساس این استراتژی، دولت‌های آمریکا تا قبل از دونالد ترامپ که تنها به میانجی‌گری می‌پرداختند، اکنون به طرفداری از صهیونیست‌ها روی آورده‌اند؛ مثلاً در حوزه نظامی دریافت ۷۵ فروند هواپیمای اف-۳۵ آمریکایی به‌عنوان جنگنده سازمانی ایالات‌متحده که کشور دیگری از این تجهیزات برخوردار نیست، بر این مبنا است. اگرچه اروپا با موجودیت رژیم صهیونیستی مشکلی نداشته و آن را به‌عنوان یک عضو سازمان ملل پذیرفته است، اما موجودیت اسرائیل و فلسطین توأمان مورد تأکید و توجه اتحادیه اروپا است و این اتحادیه از گفتمان و راهبرد هر دو کشور فلسطینی- صهیونیستی دفاع می‌کند. البته رژیم صهیونیستی همواره از جنبه حقوق بشری، موضوع شهرک‌ها، مرزهای ۱۹۶۷، آوارگان، روند سازش و... در معرض تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار دارد و پرونده

این رژیم نزد اروپا تیره و تار است. جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی از فرصت به تهدیدی برای صهیونیست‌ها تبدیل شده است. محور مقاومت در سطح منطقه شکل گرفته و روز به روز قدرتمندتر می‌شود. از این‌رو، تل‌آویو به دنبال انهدام محور مقاومت به رهبری ج.ا.ایران است. (حاجی‌علی‌اکبری، ۱۴۰۱: ۷۵)

نقاط ضعف در استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی:

با بررسی واقع‌بینانه توان نظامی ارتش رژیم صهیونیستی که در جنگ ۳۳ روزه کارایی خود را آشکار ساخت، می‌توان گفت که هرچند این رژیم از توان رزم بسیار بالایی نسبت به حزب‌الله برخوردار بود، اما دارای نقاط ضعف راهبردی مهمی بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ✓ هزینه سنگین تلفات انسانی و شکنندگی جامعه صهیونیستی به آن
- ✓ وسعت محدود و فقدان عمق استراتژیک در قلمرو رژیم صهیونیستی
- ✓ انگیزه پایین نیروهای ارتش برای ایثار و فداکاری
- ✓ تمرکز بالای جمعیت رژیم صهیونیستی در سه شهر حیفا، تل‌آویو و بیت‌المقدس
- ✓ آسیب‌پذیری نسبت به جنگ‌های فرسایشی
- ✓ فقدان اطلاعات جدید از اهداف نظامی موردنظر (Varshovsky, 2008: 35)

حزب‌الله لبنان

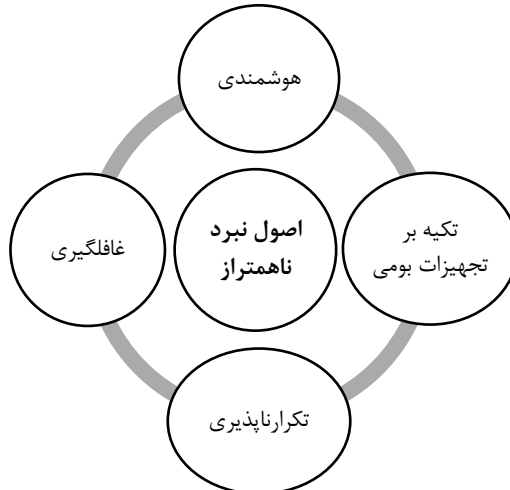
با وجود اینکه حزب‌الله لبنان فاقد نیروی هوایی و دریایی و اصولاً فاقد هرگونه نیروی سازمان‌دهی شده در قالب ارتش است، اما مقاومت سرسختانه این جنبش در برابر رژیم صهیونیستی، تعجب نظامیان، تحلیل‌گران و سران کشورهای مختلف منطقه و جهان را به دنبال داشته است. با توجه به محدودیت‌های حزب‌الله در زمینهٔ نقل‌وانتقال تسلیحات و میزان محدود ذخایر موشکی، این جنبش استراتژی نظامی خود را در برخورد با ارتش رژیم صهیونیستی بر پایه «جنگ‌های چریکی» تعریف نموده و تاکتیک‌ها و آموزش‌های نظامی و آمادگی خود را بر این اصل استوار ساخته است و در طول جنگ، برتری حزب‌الله در زمین و آشنایی کامل به منطقه نبرد که در قالب جنگ‌های چریکی خود را نشان داد، پیشروی‌های ارتش رژیم صهیونیستی را با موانع جدی روبه‌رو می‌ساخت. (Lambeth, 2010: 35)

مسلح کردن زمین به انواع مین‌های ضدنفر و ضدتانک، تعریف نقشه عملیاتی ویژه برای هر منطقه به صورت مجزا در صورت پیشروی احتمالی ارتش دشمن، حفر سنگرهای به هم متصل، حفر کوه و نگهداری ذخایر موشکی در آن، ایجاد سقف‌های کاذب برای سامانه‌های پرتاب موشک، اطلاعات دقیق و جامع از توان رزمی دشمن و محل استقرار لشکرها و تجهیزات آن‌ها و غیره منطقه عملیاتی جنوب لبنان را برای ارتش رژیم صهیونیستی و سربازان آن به صورت منطقه‌ای درآورده بود که هرگونه ابتکار عمل را از آنان گرفته بود.

حزب‌الله در اجرای استراتژی نظامی خود و برای هدف قرار دادن عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی، مبادرت به موشک‌باران شهرک‌ها و تأسیسات زیربنایی در شمال فلسطین اشغالی کرد. موشک‌باران حزب‌الله که به تلافی اقدامات صهیونیست‌ها در بمباران هوایی مناطق غیرنظامی و در راستای سیاست بازدارندگی صورت می‌گرفت.

بررسی عملیات از دیدگاه اصول جنگ ناهمتراز

شناسایی نقاط قوت و ضعف دشمن و شناسایی امکانات قابل افزایش جبهه خودی و تکیه بر آن امکانات و بهره‌گیری از تکنیک، تاکتیک و مسائل مختلف از مهمترین اصول نبرد به شمار می‌روند. (Lambeth, 2010: 35)



شکل (۱) اصول جنگ ناهمتراز

هوشمندی: هوشمندی به معنی انتخاب هوشمندانه تاکتیک، سلاح‌ها و نیز کنترل صحنه نبرد به گونه‌ای که نتیجه آن برتری قابل توجه در پایان نبرد باشد. هوشمندی باید در تمام مراحل جنگ مدنظر باشد و در هنگام اتخاذ هر تصمیمی به این مهم توجه ویژه داشت. شاید این تصور وجود داشته باشد که عملکرد هوشمندانه در جنگ‌های کلاسیک و اصولاً هر اقدام نظامی دارای اهمیت است، ضمن تأیید این موضوع، دلیل اهمیت بیشتر آن در نبردهای ناهم‌تراز را می‌بایست در مهمترین خاصیت این گونه نبردها دانست و آن عدم قطعیت در کلیه مراحل آن است. بنابراین انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری هوشمندانه از اصول اساسی این نبردها هستند.

پیش از نبرد ۳۳ روزه؛ مقاومت اسلامی حزب‌الله با مطالعه و شناخت دقیق از دکترین نظامی رژیم اشغالگر پی برده بود که ارتش صهیونیستی در صورت وارد شدن در جنگ از اصولی مانند: جنگ غافلگیرانه، سریع، پیش‌دستانه و کوبنده و ویرانگر استفاده خواهد کرد. در حقیقت فرماندهان نظامی حزب‌الله با مدیریتی دقیق و هوشمند و شناخت دقیق اصول و تدابیر جنگی دشمن و با اجرای اقدامات دفاعی و غافلگیرانه و نیز به کارگیری تدریجی تسلیحات خود، جنگی فرسایشی را علیه رژیم صهیونیستی به راه انداخت. به گونه‌ای که باعث انفعال و تعجیل رژیم صهیونیستی در استفاده از جنگ زمینی شد. رژیم صهیونیستی چه در عملیات زمینی و چه در عملیات هوایی، نیازمند اطلاعات زیادی بود که به اعتراف مسئولان امنیتی- نظامی این رژیم، فاقد آن بود. نفوذناپذیری حزب‌الله و مقاومت اسلامی در قبال جاسوسان رژیم صهیونیستی، از گره‌های اساسی دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی رژیم بود که سید حسن نصرالله با افتخار از آن یاد کرد. مقاومت اسلامی با به کارگیری تاکتیک‌های عملیاتی، داشتن برنامه نظامی هوشمند و لایه‌های دفاعی متنوع، قدرت مانور و انعطاف‌پذیری، استفاده از روش جابجایی و فقدان خطوط دفاعی آشکار، نیروهای زمینی زرهی رژیم صهیونیستی را سر درگم کرد؛ به طوری که صهیونیست‌ها نمی‌دانستند پیشروی محدود خود در یک روستا را موفقیت خود و شکست حزب‌الله بدانند و یا دامی برای قیچی شدن و تله نظامی ارزیابی کنند. ارتش صهیونیستی که در پنج جنگ بزرگ با هشت ارتش کشورهای عربی، در چند ساعت توانسته بود سرنوشت جنگ را مشخص کند، در مقابل تعداد محدودی از تیم‌های عملیاتی حزب‌الله ناتوان شده و مهمترین دلیل این ناتوانی را می‌توان در عملکرد

هوشمندانه مقاومت اسلامی حزب‌الله یافت. نمونه دیگر هوشمندی در نبرد ۳۳ روزه را می‌توان در هدایت و مدیریت شجاعانه سیدحسن نصرالله در تمام جزئیات جنگی و سیاسی و به‌کارگیری حساب شده ابزار دفاعی و امکانات رزمی در مسیر برنامه‌ریزی شده، تا مرحله تحمیل اراده مقاومت در قبال سیاست تجاوز و اشغالگری رژیم اشغالگر دید. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶: ۵۴)

مورد دیگر از مصداق هوشمندی در تقابل حزب‌الله با ارتش رژیم صهیونیستی که بیانگر کنترل صحنه نبرد توسط نیروهای مقاومت بود؛ از بین بردن اراده دشمن برای ادامه جنگ است که با فرسایشی کردن جنگ توسط حزب‌الله به دست آمد. جنگ فرسایشی در نبرد ناهم‌تراز به معنی خرید وقت و زمان بمنظور ضربه زدن به دشمن در فرصت مناسب است. و همین امر سبب شد تا رژیم صهیونیستی در جایگاه، زمان و اهداف جنگ سیطره نداشته باشد و عملیات برق‌آسا و استراتژی ضربه اول رژیم با ناکامی روبرو شود. به‌گونه‌ای که در پایان هفته دوم و شروع هفته سوم جنگ، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی به صراحت اعلام کرد که ما توان مقابله به حزب‌الله را نداریم و اقدام هوشمندانه رهبران مقاومت در فرسایشی کردن جنگ باعث شد که توان ارتش رژیم صهیونیستی را به تحلیل ببرد. در حقیقت حزب‌الله با استفاده از تکنیک‌های خاص خود به دشمن پاسخ داد و میدان جنگ را تعیین کرد. به این شکل که زمانی که رژیم صهیونیستی به مرزهای لبنان نزدیک شد و یک ارتش ۳۰ هزار نفره را در یک جبهه ۳ کیلومتری مستقر کرد، حزب‌الله بجای دادن پاسخ در آن جبهه، با استفاده از موشک پست نیروهای مهاجم را مورد حمله قرار داده و با استفاده از توان موشکی خود به عمق ۴۰ تا ۵۰ کیلومتری رژیم صهیونیستی حمله کرد. به این ترتیب حزب‌الله بجای تلاش برای خارج کردن روستاها از محاصره به شهر صنعتی و سیاحتی حیفا حمله کرد و در اقدامی دیگر پادگان حساس صدف در شمال شرقی فلسطین اشغالی را مورد هدف قرار داد و به این ترتیب تعیین کننده میدان نبرد بود. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶: ۸۶)

یکی دیگر از مهمترین نمونه‌های استفاده از این اصل که این جنگ را از سایر جنگ‌های چریکی و کلاسیک متمایز کرد و در تمام مدت جنگ به چشم می‌خورد، بهره‌برداری حزب‌الله از سیستم اطلاعاتی و ضد جاسوسی پیشرفته است که در خلال نبرد نیروهای مقاومت با کسب، حفظ و ارتقاء برتری اطلاعاتی نسبت به ارتش رژیم صهیونیستی

توانست برتری قابل ملاحظه‌ای را کسب کند. نیروهای مقاومت با بهره‌گیری از سیستم اطلاعاتی و ضد جاسوسی پیشرفته توانست ضمن حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده خود، اطلاعات سری را از ارتش و اهداف رژیم صهیونیستی به دست آورد؛ به طوری که یکی از مهمترین علل ناکامی رژیم صهیونیستی را در عدم اطلاع دقیق و کافی از تسلیحات، تجهیزات، مهارت‌های جنگی و رزمی حزب‌الله از یک سو و دسترسی نیروی‌های حزب‌الله به این اطلاعات طرف مقابل دانست. (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

غافلگیری: غافلگیری به معنی وارد کردن ضربه در زمان، مکان و با تاکتیکی که دشمن انتظار آن را ندارد و امکان مقابله با آن را نیز نداشته باشد. (طحانی، ۱۳۹۰: ۲۲۰)

اولین مصداق استفاده از اصل غافلگیری را می‌توان در گفته‌های یک مقام ارشد نظامی رژیم صهیونیستی یافت که در گفتگو با هآرتص می‌گوید: پس از عقب نشینی ما از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ فرصت طلایی شش‌ساله‌ای را در اختیار حزب‌الله قرار دادیم و از آن غافلگیر شدیم تا با فراغ خیال، استحکامات و تجهیزات نظامی پیشرفته خود را در این منطقه حساس مستقر نماید. به این ترتیب حزب‌الله لبنان سال‌ها پیش از شروع درگیری اصلی اقدامات خود را برای غافلگیر نمودن ارتش رژیم صهیونیستی آغاز کرده بود. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶: ۴۳)

نمونه دیگر استفاده از اصل غافلگیری در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با ارتش رژیم صهیونیستی در اقدام گروه مقاومت در ۲۱ تیرماه ۱۳۸۵ (۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶) بود. عملیاتی که منجر به شعله‌ور شدن جنگ ۳۳ روزه بود. در این روز ارتش حزب‌الله در یک عملیات تهاجمی برنامه‌ریزی شده و جزئی در شمال سرزمین‌های اشغالی اقدام به حمله علیه مواضع نیروهای گشتی در نزدیکی مرز نمودند که در جریان آن هشت سرباز رژیم صهیونیستی کشته و دو سرباز دیگر ربوده شدند. رژیم صهیونیستی در این هنگام تصمیم گرفت جنگ یک‌جانبه‌ای را علیه حزب‌الله آغاز کند. (Cordesman, 1388: 24)

اقدام حزب‌الله در جریان این عملیات یعنی ضربه‌زدن به رژیم صهیونیستی در زمان و مکانی که به هیچ وجه قابل پیش‌بینی توسط کارشناسان زده نظامی رژیم صهیونیستی نبود مصداق بارز استفاده از اصل غافلگیری است. در نتیجه این اصل در همان ابتدا توسط حزب‌الله استفاده شد.

تکرارناپذیری در تاکتیک: در بیان اصل تکرارناپذیری در نبرد ۳۳ روزه باید به تکرارناپذیری تاکتیک‌ها و اقدامات انجام شده در خارج از منطقه نبرد اشاره کرد که با انجام اقداماتی که فقط یکبار انجام شد و بعد از آن به دلیل وضوح بیش از حد امکان استفاده از آن وجود نداشت.

یکی از تاکتیک‌های مهم این جنگ استفاده از ضربات از راه دور سریع و مهلک بر ارتش رژیم صهیونیستی و ساختار اقتصادی و جمعیتی این رژیم اشغالگر توسط حزب‌الله بود. استفاده از حملات موشکی با دقت بالا به شهرهای شمالی و تأسیسات اقتصادی و نظامی رژیم صهیونیستی و همچنین نابودی تعداد ۳۰ فروند تانک پیشرفته مرکاوا و تعدادی بولدوزر، از تاکتیک‌های منحصر به فرد حزب‌الله در این نبرد بود که توانست ارتش رژیم صهیونیستی خصوصاً تیپ ویژه گولانی را در مثلث مارون‌الرأس، عبترن و نبت‌جلیل زمین‌گیر کرده و آنان را مجبور به عقب نشینی از جنوب لبنان نماید. (تقوی، ۱۳۸۵: ۷) مورد دیگر که دلالت بر تکرارناپذیری تاکتیک‌ها در این نبرد بود استفاده از دفاع متحرک همه جانبه است که توسط نیروهای مقاومت علیه ارتش صهیونیستی استفاده شد. با توجه به ناهمتراز بودن این جنگ نیروهای مقاومت از لحاظ نیروی انسانی نسبت به ارتش رژیم صهیونیستی در اقلیت بود. اصل تحرک و مانور مناسب توانست کمبود نیروی انسانی حزب‌الله را جبران کرده و با فشار بر نقاط ضعف و آسیب‌پذیر حیف قدرتمند خود آن را زمین‌گیر کند. حزب‌الله با توانایی محدود خود در نیروی انسانی و با استفاده از دفاع متحرک همه جانبه در غلب جنگ چریکی و ضربات برق‌آسا، مهلک و نامرئی توانست عملکردی از خود بروز دهد که در طول تاریخ جنگ‌های رژیم صهیونیستی بی‌سابقه بوده است. (Cordesman, 1388: 91)

تکیه بر تجهیزات بومی: قبل از ورود به بررسی تجهیزات استفاده شده توسط حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، ساختار جناح نظامی حزب‌الله را مورد بررسی قرار گرفته است. جناح نظامی حزب‌الله بصورت افقی سازماندهی شده بود؛ در واقع شاخه نظامی هم به دو نوع رزمنده تقسیم می‌شد: رزمندگان نخبه یا دائمی، که تعدادشان حدود ۱۰۰۰ نفر بود و اغلب آنان دوره‌های آموزشی سلاح‌های پیشرفته را گذرانده بودند. و دسته دوم، رزمندگان روستایی بودند که به دلیل اینکه ارتباط منسجمی با حزب‌الله نداشتند، برآورد تعداد آن‌ها دشوار است. همچنین در طول جنگ هم رزمندگان خود را در گروه‌های

کوچک خودکفا سازماندهی کرد که این گروه‌ها بطور مستقل قادر به اجرای عملیات بوده و برای مدت طولانی نیاز به دستور از مقام‌های بالا نداشتند و برخی بر این باورند که این ساختار غیرمتمرکز نشانگر دور شدن از یک ساختار فوق‌العاده سلسله‌مراتبی بود. استفاده از جنگ‌افزارها و تجهیزات بومی یکی از اصولی است که فقط در جنگ‌های ناهمتر از که یک طرف آن به کشورهای غربی و نظام سلطه وابسته نیست کاربرد دارد. به دلیل این‌که تجربه جنگ‌های اخیر ثابت کرده که اگر یکی از طرفین درگیر وابسته به کشورهای غربی باشد تجهیزات و جنگ‌افزارهای آن تأمین خواهد شد که این مورد در ارتباط با جنگجویان تکفیری و تارشگر به خوبی نمایان شد. اما در جنگ ۳۳ روزه نهضت مقاومت اسلامی لبنان با تکیه بر تجهیزات بومی و با اتکاء بر استفاده مبتکرانه از سلاح‌های در اختیار توانست در برابر ارتش تا بن دندان مسلح رژیم اشغالگر مقاومت کرده و اجازه ندهد رژیم صهیونیستی به اهداف خود برسد.

نیروهای راکتی و موشکی: کاربرد راکت‌های کوچک تاکتیکی نشان داد که تاکتیک‌های جدید همراه با سلاح‌های قدیمی می‌تواند نقشی با همان اهمیت در جنگ‌های ناهمتر از ایفا کند. در واقع رژیم صهیونیستی دریافت که با وجود ۱۰ تا ۱۶ هزار کاتیوشای ۱۲۲ میلی‌متری سری گراد کوتاه برد عادی و نمونه‌هایی با برد بیشتر، با یک تهدید محلی جدی روبروست. حزب‌الله توان شلیک کردن تعداد حیرت‌آوری از راکت‌های کوتاه‌برد به درون خاک رژیم صهیونیستی را تا آخرین روز جنگ حفظ کرد و این موفقیت ناشی از آماده‌سازی و آموزش و همچنین ساختار ساده و غیرمتمرکز گروه‌های راکتی و نیز تعهد و مهارت رزمندگان استفاده‌کننده از آن دانست. ارقام اعلام شده مربوط به تعداد راکت‌های شلیک شده توسط حزب‌الله در طول جنگ متفاوت بوده و در مجموع، گزارش‌های پلیس رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که در طول ۳۴ روز جنگ ۴۲۲۸ راکت به رژیم صهیونیستی اصابت کرد و پیامد آن نیز ۵۳ کشته و تخلیه موقت حداکثر یک میلیون رژیم صهیونیستی از منطقه هدف بود. استفاده حزب‌الله در استفاده از راکت برای وادار کردن سکنه به تخلیه اماکن، فلج کردن فعالیت‌های اقتصادی محلی و راندن صهیونیست‌های باقی مانده در پناهگاه، بسیار مؤثر و فراتر از انتظار بود. (Cordesman,)

جدول (۱) راکت‌ها و موشک‌های حزب‌الله

سیستم	برد (کیلو متر)	وزن کلاهک (کیلو گرم)	کالیبر (میلی متر)
زلزال ۲	۲۱۰	۶۰۰	۶۱۰
نازعات ۶	۱۳۰	۹۰	۳۵۵/۶
نازعات ۱۰	۱۲۵	۲۴۰	۴۵۰
فجر ۳	۴۳	۹۰	۲۴۰
فجر ۵	۷۵	۱۷۵	۳۳۳
M-21	۲۰	۱۹/۴	۱۲۳
نورینگو ۱۰۷ میلی متری	۱۰	۱۸/۹	۱۰۷

هواپیماهای بدون سرنشین: در جریان جنگ حزب‌الله چهار هواپیمای بدون سرنشین به سمت رژیم صهیونیستی فرستاد که یکی از آن‌ها هنگام برخاستن منهدم شد. این هواپیما همگی تحت عنوان "مرصاد ۱" خوانده شده‌اند. نخستین پرتاب این هواپیما در ۷ اوت و در نزدیکی صور در سواحل لبنان انجام شد که از سوی هواپیماهای بدون سرنشین نیروی هوایی رژیم صهیونیستی ساقط شد. پرتاب‌های دوم و سوم هر دو در شب ۱۳ اوت شکل گرفته و اندکی پس از برخاستن سقوط کرد و هواپیمای چهارم نیز پس از ورود به قلمرو هوایی رژیم صهیونیستی سقوط کرد. بنابراین با توجه به تجربه و تجهیزات پایین حزب‌الله و امکانات بیشتر ارتش رژیم صهیونیستی در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، حزب‌الله نتوانست موفقیت چندانی در این زمینه کسب کند. (Cordesman, 1388: 217)

پیشینه‌های پژوهش

➤ نوذر شفیعی و احمد مرادی در مقاله خود با عنوان «تأثیر جنگ سی‌وسه روزه بر موقعیت منطقه‌ای ایران» معتقدند تأثیر مثبت جنگ ۳۳ روزه در ابعاد مختلف موجب تقویت جایگاه و ارتقای موقعیت منطقه‌ای ج.ا.ایران و اهمیت آن در سطح بین‌المللی گردیده است.

➤ ابراهیم انوشه در مقاله «جنگ ۳۳ روزه و بازیگران آن» آورده است: هرکدام از گروه‌ها و اقلیت‌های ساکن در لبنان مانند شیعیان، سنی‌ها، مسیحیان مارونی و دروزی‌ها منافع و اهداف خاصی را در حوزه سیاست داخلی و خارجی لبنان دنبال می‌کنند و وقتی مساله پیچیده‌تر می‌شود که بازیگران داخلی لبنان مستقیم یا غیرمستقیم از حمایت

بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برخوردار شوند و ارتباط محکم و تنگاتنگی بین اهداف و منافع برخی از بازیگران درونی و بیرونی ایجاد شده است.

➤ سید باقر میرصانع در مقاله‌ای با عنوان «جنگ ۳۳ روزه لبنان (روز مقاومت)» با ارائه گزارش اجمالی از ماهیت حزب‌الله لبنان، اهداف رژیم صهیونیستی از برپایی جنگ، تأثیرات آن و ادله شکست رژیم و همچنین ضرورت شناخت این جنگ و تأثیرات آن را در دو حیطة بیان کرد؛ اول رؤیت تحقق وعده‌های الهی که یک گروه اندک چگونه با یک رژیم به طور کامل مسلح می‌جنگند و توان ایمانی آنها موجب پیروزی می‌شود و دوم این‌که با توجه به رخ داده‌های این جنگ مشخص شود راهبرد رهایی منطقه از آشوب، مبارزه مسلحانه است نه دیپلماسی با رژیم صهیونیستی.

➤ قدیر نظامی‌پور و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل جنگ ۳۳ روزه لبنان از منظر غافلگیری نظامی امنیتی» با طرح این سؤال که «آیا حزب الله لبنان در آغاز حمله رژیم صهیونیستی دچار غافلگیری شد؟» به بیان علل و عوامل غافلگیری به روش **AHP** پرداخته و ضمن مطالعه اسناد بالادستی و برگزاری هیئت‌های اندیشه‌ورز نظرات خبرگان امر اخذ گردید و معین شد که حزب الله لبنان در ابتدای جنگ سی و سه روزه دچار غافلگیری نشده است.

➤ احمد ایزدی طامه در مقاله «شناسایی و تعیین شیوه‌ها و روش‌های عملیات روانی رژیم صهیونیستی علیه حزب الله در جنگ ۳۳ روزه» ۱۰ مورد از شیوه‌ها و روش‌ها در سطح راهبردی، ۲۴ مورد در سطح عملیاتی و ۱۷ مورد در سطح تاکتیکی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی است رژیم صهیونیستی ۵۱ مورد از مهمترین شیوه‌ها و روش‌های عملیات روانی را در جنگ ۳۳ روزه در سطوح مختلف به کار برده است.

➤ بیژن نیری و علیرضا متولی در مقاله خود با نام «نقض حقوق بشر دوستانه در جنگ سی و سه روزه بر مبنای مقررات بین‌الملل» ادعان دارد: فارغ از مسائل امنیتی بلند مدت مرتبط با درگیری مسلحانه حزب‌الله با اسرائیل خشونت‌های مسلحانه این رژیم که به کشتار وسیع غیر نظامیان و تخریب گسترده مناطق مسکونی و شهرهای بی دفاع این کشور منجر شده است، مهمترین محوری بوده که افکار عمومی و سازمان‌های بین‌المللی به ویژه غیر دولتی و بشر دوستانه نظیر صلیب سرخ برای خاتمه دادن به این خشونت‌ها مطرح کرده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

باتوجه به ماهیت موضوع پژوهش و این‌که در این تحقیق از زمینه و بستر شناختی و معلوماتی که از طریق تحقیقات بنیادی فراهم‌شده، استفاده گردیده، این پژوهش از نوع کاربردی بوده و روش اجرای آن با روش توصیفی با رویکرد تحلیل کیفی انطباق دارد. برای انجام این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در روش کتابخانه‌ای، محقق با مطالعه اسناد و مدارک جمع‌آوری شده و نیز وب‌گاه‌های اینترنتی مرتبط اطلاعات مورد نیاز را به‌دست آورده است. و در روش میدانی با مصاحبه با صاحب‌نظران شاخص‌های مربوط به اصول چهارگانه نبردهای ناهمتراز احصاء گردید. متغیرهای این پژوهش اصول چهارگانه نبردهای ناهمتراز است. جامعه آماری این پژوهش تعداد ۳۰ نفر از استادان دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا هستند که حداقل سه ترم درس تجزیه و تحلیل جنگ و درس جنگ ناهمتراز را تدریس کرده که به‌صورت تمام شمار هدفمند به‌عنوان حجم نمونه محسوب شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

بر اساس اسناد و مدارک مطالعه شده، نبرد ۳۳ روزه ارتش رژیم صهیونیستی علیه نهضت مقاومت حزب‌الله لبنان مشخصات، مؤلفه‌ها و مشخصات یک نبرد ناهمتراز را دارد. در نبردهای ناهمتراز چهار مؤلفه را می‌توان به‌عنوان اصول این شیوه جنگیدن در نظر گرفت. این موارد عبارتند از "هوشمندی، غافلگیری، تکرارناپذیری و تکیه بر تجهیزات بومی"

در این نبرد نیروهای حزب‌الله در تاکتیک‌ها و سلاح‌های استفاده شده و همچنین در کنترل صحنه نبرد عملکرد بسیار هوشمندانه‌ای از خود نشان دادند و با حمله در زمان، مکان و تاکتیکی که توسط ارتش رژیم صهیونیستی قابل پیش‌بینی نبود باعث غافلگیری آن‌ها گردیدند. با توجه به این‌که نیروهای حزب‌الله بطور رسمی از هیچ کشوری حمایت نمی‌شدند بالاجبار در این نبرد از تجهیزات و امکانات کاملاً بومی استفاده نمودند و از راکت‌ها، موشک‌ها و پهپادهایی که عمدتاً توسط متخصصین حزب‌الله طراحی و ساخته شده بود استفاده کردند و در طول جنگ هم از این بابت موفقیت‌هایی نیز کسب شد و موشک‌های حزب‌الله توانستند از گنبد آهنین عبور کرده و به شهرهای اسرائیل رسیده و

در نهایت امکان تکرار تاکتیک‌ها و روش‌هایی که حزب‌الله در این نبرد استفاده کرد قابل تصور نبود.

با توجه به تجزیه و تحلیل کیفی صورت گرفته بر مطالعه اسناد و مدارک و پاسخ صاحب‌نظران به سوالات مصاحبه، نتایج کسب‌شده مبین این مطلب است که:

از مؤلفه هوشمندی سه شاخص هوشمندی در تاکتیک، هوشمندی در استفاده از سلاح‌ها و هوشمندی در کنترل صحنه نبرد احصاء گردید.

مؤلفه غافلگیری نیز دارای سه شاخص "غافلگیری در زمان، غافلگیری در مکان و غافلگیری در تاکتیک" احصاء گردید.

تکرارناپذیری و تکیه بر تجهیزات بومی نیز از جمله ابعادی بودند که به تنهایی مورد بررسی قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف. نتیجه‌گیری

بعد از تجزیه و تحلیل کیفی مطالب جمع‌آوری شده از مطالعه اسناد و مدارک و مصاحبه، نتایج حاصله حاکی از آن است که در طول جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله با ارتش رژیم صهیونیستی اصول چهارگانه نبردهای ناهم‌تراز که عبارت بودند از "هوشمندی، غافلگیری، تکرارناپذیری و تکیه بر تجهیزات بومی" و همین‌طور شاخص‌های احصاء شده در هر اصل توسط محقق به درستی انتخاب و توسط نیروهای مقاومت مورد استفاده قرار گرفت که نتیجه آن تحمیل شکست سنگین بر ارتش تا بن دندان مسلح اسرائیل بود و به قول «اوبگیدور لیبرمن» وزیر مقابله با تهدیدات استراتژیک کابینه ایهود اولمرت، شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه یک شکست استراتژیک بود که در ابعاد سیاسی، روانی، اقتصادی و نظامی اسرائیل را با شکست روبرو کرد و ساختار تهاجمی ارتش را متزلزل ساخت. این برای اولین بار در طول تاریخ موجودیت رژیم صهیونیستی بود که موشک‌های فراوانی به اعماق خاک سرزمین‌های اشغالی شلیک شد که خساراتی بیش از ۱۰ میلیارد دلار بر اقتصاد اسرائیل وارد کرد و حیفا، بندر تجاری اقتصادی رژیم صهیونیستی را به شهر مردگان تبدیل کرد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در این نبرد شاخص‌های احصاء شده در خصوص نبردهای ناهم‌تراز توسط گروه مقاومت حزب‌الله مورد استفاده قرار گرفته است.

ب. پیشنهاد

به پژوهشگران حوزه جنگ پیشنهاد می‌شود که سایر عملیات‌های انجام شده توسط نهضت مقاومت مانند جنگ ۲۲ روزه اسرائیل با غزه را نیز از منظر اصول نبردهای ناهمتراز مورد مطالعه و چگونگی استفاده از این اصول و مؤلفه‌های آن را بررسی نمایند.

قدردانی

در پایان از تمامی عزیزانی که محققین را در راستای انجام این تحقیق یاری رساندند، کمال تشکر و امتنان به عمل می‌آید.

منابع

۱. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۹)، تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و ۲۲ روزه غزه، تهران: امام صادق (ع)
۲. تقوی، فرهاد، (۱۳۸۵)، پیش‌درآمدی بر جنگ نامتقارن در قرن ۲۱، ماهنامه خلیج فارس، شماره ۷
۳. جمشیدی، حمدالله و دیگران، (۱۳۹۷)، روش تحقیق با رویکرد نظامی، تهران: دافوس آجا
۴. حافظ‌نیا، محمد رضا، (۱۳۹۵)، روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت
۵. حاجی‌علی‌اکبری، محمد، (۱۴۰۱)، تاثیر عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و بحرین بر امنیت نظامی ج.ا.ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دافوس آجا
۶. حیدری، کیومرث، (۱۳۹۲)، آسیب‌پذیری‌های قدرت‌های بزرگ در محیط جنگ ناهم‌تراز، تهران: دافوس آجا
۷. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، (۱۳۸۶)، ابعاد جنگ نامتقارن حزب‌الله علیه اسرائیل، سیاست خارجی، ۴۸
۸. طحانی، غلامرضا، (۱۳۹۰)، طرح‌ریزی عملیات دریایی، تهران: دافوس آجا
۹. قنبری، قاسم، (۱۳۹۵)، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات نظامی، تهران: روناس
۱۰. کوردزمن، آنتونی، (۱۳۸۸)، درس‌هایی از جنگ ۳۳ روزه اسرائیل - حزب‌الله، گروه مترجمین اسرائیل‌پژوهی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
۱۱. کورمونت، بارتلمی، (۲۰۰۹)، جنگ‌های نامتقارن، مترجم علی سجادی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی آجا
۱۲. لمبث، بنجامین، (۲۰۱۰)، عملیات‌های هوایی اسرائیل علیه حزب‌الله (جنگ ۳۳ روزه)، مترجم روح‌الله افراسیابی، تهران: مرکز انتشارات راهبردی نهاجا
۱۳. معین‌وزیری، نصرت‌اله، (۱۳۹۳)، تحلیل عملیات بر مبنای اصول جنگ، تهران: دافوس آجا
۱۴. وارشفسکی، میخائیل، (۲۰۰۸)، جنگ ۳۳ روزه: جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله و پیامدهای آن، مترجم حسین تک‌تبار فیروزجانی، تهران: صمدیه

وب‌گاه